

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال هفتم، شماره سیزدهم (بهار و تابستان ۱۳۹۹)



هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائنی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعة المصطفی العالمیه)
- محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)،

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهواندی

دبیر تحریریه:

مهدی مقدادی داودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

وحید حامد

مترجم انگلیسی:

سید محمد سلطانی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

Typology of Evidences in Demonstrating Apparent Meaning, According to al-Shaykh al-Ansari

Mojtaba Golizadeh¹

Abstract

Methodical understanding of the Qur'an and hadiths has been the constant concern of the jurists, and due to their frequent usage in religious texts and propositions, evidences play the most important role in such understanding, as the basic meanings of the words do. Al-Shaykh al-Ansari as one of the greatest jurists, has frequently utilized such evidences in the text of the Qur'an and hadiths. With a descriptive-analytic method, this article tries to discover, categorize and analyze these evidences. The results show that in al-Shaykh al-Ansari's viewpoint these evidences are: evidences of Siyaq, unity of Siyaq, Muqabalah, 'Asīl, Question, Reasoning, congruence between the issue and the ruling, and the predominance in usage.

Keywords: Evidences, Discovering the Meaning, Apparent Meaning.

1. Researcher of the 'A'emme 'Athar Jurisprudence Center. (mgolizadeh1371@gmail.com)

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال هفتم، شماره سیزدهم (بهار و تابستان ۱۳۹۹)
تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۴/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

گونه‌شناسی قراین احراز ظهور از منظر شیخ انصاری

مجتبی گلی‌زاده^۱

چکیده

فهم روشمند قرآن و روایات دغدغه همیشگی فقها بوده است که قراین از کلیدی‌ترین عوامل فهم معناست؛ چراکه در متون و گزاره‌های دینی، فراوان از آن استفاده شده است. در حقیقت همان‌طور که دلالت وضعی الفاظ در رسیدن به معنای کلام گوینده مؤثر است، قراین نیز نقش مهمی در فهم معنای کلام دارند. شیخ انصاری به عنوان یکی از برجسته‌ترین فقها فراوان به قراین احراز ظهور از آیات و روایات پرداخته است که این نوشتار با هدف ارائه قراین فهم ادله و با روش توصیفی - تحلیلی کوشیده، به استخراج، تبویب و تحلیل قراین استظهاری ایشان دست یابد. دلیل نگارش این نوشتار، مشکل تعدد فهم از یک متن است که ناشی از بی‌توجهی به این قراین است. حاصل این نوشتار آنکه قراین در نگاه شیخ انصاری عبارت‌اند از: سیاق، وحدت سیاق، مقابله، اصیل، سؤال، تعلیل، تناسب حکم و موضوع و غلبه استعمالی. واژگان کلیدی: قراین، استظهار، کشف معنا، ظهور.

مقدمه

از آنجا که فهم روشمند معنا و مقصود کلام گوینده در گرو تکیه به قواعد کشف ظهور است، شایسته است به این قواعد توجه کافی شود. قرآن کریم و روایات نیز از این قاعده مستثنا نیستند. بر این اساس فقها با تکیه بر قراین به فهم قرآن و روایات می‌پردازند. در واقع استظهار از کتاب و سنت و فهم ادله توسط قراین بخش مهمی از تلاش فقیه است. مشکل پیش رو آن است که گاهی بدون توجه و تسلط کافی به این قراین به سراغ فهم قرآن و روایات رفته و به تفسیر آن پرداخته می‌شود که در این صورت در تفسیر متون و گزاره‌های دینی به خطا می‌رویم و در نتیجه مقصود الهی به درستی به مخاطبان منتقل نمی‌شود (اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۴۴؛ مجتهد شبستری، بی‌تا، ص ۳۴؛ عراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۳۸).

گفتنی است پیشینه پیدایی این بحث از زمان نزول قرآن و نقل روایات وجود داشته است و از همان آغاز، احادیثی با معانی ژرف صادر شده که نیازمند تبیین و شرح بوده است و در واقع، حساسیت امامان معصوم علیهم‌السلام نسبت به انتقال صحیح گفته‌های خود و پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم موجب می‌شد راویان برای فهم و جمع بین اخبار تا حد امکان به امامان علیهم‌السلام مراجعه کنند تا از درستی و نادرستی آنها آگاه شوند و به فهم صحیح و مقبولی از آن دست یابند. اما بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد در ساحت پیشینه پژوهشی، اگرچه مقالات ارزنده‌ای در این زمینه وجود دارد، مثل «سیاق و سیر تحول کاربرد آن در فقه» (چاپ‌شده در فصلنامه علمی - تخصصی فقه و تاریخ تمدن) اثر حسین کنعانی، «بررسی چستی سیاق با رویکرد فقهی و اصولی» (چاپ‌شده در فصلنامه علمی - تخصصی فقه و اصول) اثر دکتر حسین صابری و همکاران، «قرینه مناسب حکم و موضوع و کارایی آن در استنباط احکام» (چاپ‌شده در فصلنامه علمی - پژوهشی کاوشی نو در فقه) اثر رضا اسفندیاری، «ائمه علیهم‌السلام و راه‌های نقل و فهم حدیث» (چاپ‌شده در نیمسال‌نامه علمی - ترویجی) اثر قاسم بستانی و نصره باجی، «کارکردهای قرینه سؤال راوی در فهم احادیث فقهی» (چاپ‌شده در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی) اثر محسن

رفعت و وحید شریفی، «نقش قرینه مقابله در تفسیر قرآن» (چاپ‌شده در فصلنامه علمی - پژوهشی *آموزه‌های قرآنی*) اثر سیدعلی هاشمی و حسن خرقانی، «بررسی و تحلیل قرینه سیاق و تأثیر آن بر فهم قرآن با رویکرد آسیب‌شناختی» و «واکاوی تأثیر باورهای کلامی بر فهم حدیث» (چاپ‌شده در فصلنامه علمی - پژوهشی *آموزه‌های قرآنی*) اثر علی حسن بگی؛ اما نوشتاری مستقل و جامع در رابطه با این قراین و ایجاد ارتباط میان قراین به نگارش درنیامده و پژوهش حاضر در خصوص این مهم سامان یافته است.

مسئله‌ای که بر اساس این مشکل می‌توان طرح کرد، این است که قراین احراز ظهور کلام متکلم کدام‌اند؟ در واقع هدف این نوشته و انگیزه ورود به آن، پاسخ دادن به این پرسش و بحث و بررسی حول محور آن است. بنابراین مطالب این نوشتار را در سه مرحله پی می‌گیریم: ۱. مفهوم‌شناسی و تبیین الفاظ کلیدی مسئله؛ ۲. بیان قراین کشف معنا به همراه ذکر مثال برای هر کدام از آنها؛ ۳. مبانی قراین. از این‌رو بررسی این موضوع، پژوهشی شایسته و بایسته در حوزه استنباط از ادله لفظیه شمرده می‌شود. بنابراین این مقاله را می‌توان بهانه‌ای انگاشت که به بررسی انواع قراین فهم معنا به صورت جامع بپردازد.

۱. مفهوم‌شناسی

ابتدا لازم است مفاهیم کلیدی این تحقیق از نظر لغت و اصطلاح معنا شود و سپس مباحث انواع قراین مطرح گردد.

۱-۱. قرینه

اهل لغت این‌گونه بیان کرده‌اند که قرینه چیزی است که با چیز دیگری همراه شود (ابن اثیر جزری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۵۳؛ ابن فارس، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۷۶).

در اصطلاح قراین اموری هستند که به گونه لفظی یا معنوی با کلام ارتباط دارند و در فهم معنای عبارت مؤثرند (بابایی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰).

نکته درخور توجه آنکه شیخ انصاری در موارد فراوانی، قرینه را از عوامل فهم مراد کلام گوینده دانسته است، نه برای فهم معنای آن (رک: انصاری، ۱۴۳۵، ج ۱،

صص ۲۶ و ۸۴) که ما را به این نکته راهنمایی می‌کند که قرینه در نظر ایشان، آن چیزی است که ما را به مراد متکلم رهنمون می‌شود؛ در حالی که کلام ایشان به نظر در مورد قراین متصله صحیح نیست؛ چرا که با توجه به اینکه ابتدا باید معنای کلام تشکیل شود و سپس به اراده گوینده پی برده شود، قرینه در مرحله معنا مطرح می‌شود و به بیان دیگر، الفاظ موجود در جمله‌ها باید ظهور عرفی خود را تشکیل داده باشند و در مرحله بعد، مراد مطرح می‌شود که آیا متکلم همین معنا را اراده کرده است یا نه. بنابراین بحث قرینه در مرحله معنا مطرح می‌شود، نه مراد. در مرحله مراد، تنها با اصول لفظیه کار داریم که در صورت شک در آن، به کمک ما برای فهم کلام بیاید. اگرچه کلام ایشان در تعریف قرینه در مورد قراین منفصله درست است.

البته شاید بتوان عبارت ایشان در ابتدای بحث ظواهر را مؤید گفتار خود دانست که بیانگر این نکته است که شک در مرحله معنا مسبب از لغت یا ظهور عرفی است. بنابراین ابتدا باید ظهوری تشکیل شده باشد. حال این ظهور، چه از طریق لغت و چه از طریق عرف حاصل شود که ظهور عرفی از ناحیه قراین است. از این رو، تعریف اصطلاحی قرینه چنین می‌شود: «هر عاملی که مخاطب را به معنا راهنمایی می‌کند». (همو، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۱۳۶).

با توجه به اینکه ظرف شکل‌گیری قراین پس از وضع است، تعریف نگارنده از قرینه، ویژگی مانع اغیار بودن را دارد. بنابراین تعریف اخیر شامل وضع نمی‌شود و به بیان دیگر قرینه امری خارج از مفاد لفظ و جمله است. منظور از مفاد جمله عبارت است از: مسند، مسندالیه، قیود آنها و همچنین نسبت بین مسند و مسندالیه (ر.ک: حسن‌بگی، ۱۳۹۷، ص ۴).

شایان ذکر آنکه قرینه مانند وضع، مخاطب را در راه رسیدن به فهم معنا کمک شایانی می‌کند. آخوند خراسانی نیز در همین زمینه معتقد است ظهور یا توسط وضع صورت می‌گیرد و یا توسط قرینه (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۳۳ق، ج ۱، ص ۳۰۳؛ همو، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۸ و سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۳؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۵۴؛ اسفندیاری، ۱۳۹۶ق، ص ۸).

۱-۲. ظهور

ظهور در لغت، بروز چیزی پس از پنهان شدن آن است (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸۷) و هر آن چیزی است که آشکار بوده و مخالف باطن باشد (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۲۰). به تعبیر صاحب‌التحقیق، ظهور مطلق آشکار شدن است به هر کیفیتی که باشد؛ بر خلاف «بروز» که آشکار شدن با کیفیت خاصی است (مصطفوی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۲).

در اصطلاح علم اصول، معنای راجح لفظ را «ظهور» می‌نامند؛ توضیح آنکه گاهی آیه‌ای نظر به ویژگی‌های واژگانی و اسلوب بیانی آن، بر دو یا چند معنا دلالت دارد؛ ولی یکی از این معانی نزد عرف روشن‌تر و به مراد گوینده نزدیک‌تر به نظر می‌رسد؛ به گونه‌ای که با گفتن آن لفظ، در ابتدا، آن معنا به ذهن می‌آید و گرچه احتمال معانی دیگر نیز وجود دارد، ولی نزد عرف مرجوح است. به معنای متبادر، ظاهر و به معنای دیگر «موول» گفته می‌شود (غلامعلی تبار و راد، ۱۳۹۷، ص ۳۲).

۲. قراین موجود در کلام

قراین یا متصله‌اند یا منفصله (ر.ک: رشتی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۳۸؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۱۹). «قراین متصله» به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. صارفه: قرینه‌ای که کلام را از معنای حقیقی خود برمی‌گرداند و بر معنای مجازی آن حمل می‌کند؛ ۲. مفهمه: قرینه‌ای که در الفاظ مشترک معنوی به کار می‌رود؛ ۳. معینه: قرینه‌ای که همراه مشترک لفظی آورده می‌شود و سبب می‌گردد فقط در یکی از معانی آن ظهور یابد؛ یعنی باعث تعیین آن معنا از میان معانی دیگر می‌شود (ر.ک: تبریزی، ۱۳۶۹، ص ۷۵). قرینه صارفه خود بر دو قسم است: ۱. اگر لفظ باشد، قرینه «لفظیه» یا «مقالیه» نام دارد، مانند اینکه گفته شود «شیری را دیدم» که فعل «دیدم» قرینه لفظی بر این است که معنای شیر در اینجا عرفاً مرد شجاع است (ولایی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۳). ۲. اگر قرینه موجود، لفظ نباشد؛ بلکه حالت، اوضاع یا احوال باشد، «مقامیه» یا «حالیه» نام دارد (همان، ص ۲۷۲).

در اینجا مهم‌ترین قراین لفظی نزد شیخ انصاری را که با توجه به آثار فقهی و اصولی ایشان به دست آمده است، بررسی می‌کنیم.

۱-۲. قرینه سیاق

از موضوعات مهمی که افزون بر تفسیر و علوم قرآنی، جایگاه ویژه و مهمی در فقه و اصول دارد، سیاق است؛ چراکه در قرآن و سنت که از اساسی‌ترین منابع جهت استنباط احکام شرعی به شمار می‌آیند، این قرینه فراوان استفاده شده است. درحقیقت سیاق به عنوان قرینه‌ای عقلایی، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان حوزه تفسیر و فقهات اسلامی در فهم معانی و استنباط احکام قرار گرفته است. بررسی چگونگی کاربرد این ابزار عقلایی و سیر تحول آن از یک واژه در معنای لغوی تا یک قرینه عقلایی در فقه شیعه درخور تأمل است. فقهای شیعه - از شیخ صدوق تا قرن هشتم - برای سیاق، معنایی فراتر از سیاق هَدی و معنای لغوی نمی‌شناختند؛ ولی در قرون بعدی، بعضی از فقها سیاق را به عنوان ابزار عقلایی در فرایند اجتهاد به کار گرفتند (ر.ک: کنعانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴). سیاق به عنوان مبنای اصلی ساخت کلام، نقش بسزایی در فهم مراد متکلم دارد؛ از این‌رو می‌توان آن را مهم‌ترین و مطمئن‌ترین ابزار مفسر برای ورود به نصوص گوناگون از جمله قرآن کریم است. در حقیقت اصل قرینه بودن سیاق و تأثیر آن در الفاظ و جمله‌ها یکی از اصول عقلایی محاوره‌ای است که قرآن کریم نیز از آن بهره برده است.

سیاق از ریشه «سوق» و به معنای اسلوب سخن، طرز جمع‌بندی و راندن است (جر، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۲۹).

در اصطلاح، اصولیان و مفسران تعریف واحدی از این قرینه بیان نکرده‌اند؛ بلکه هریک با توجه به مبانی خود، اقدام به تعریف کرده‌اند (نقی‌پورفر و حاج خلیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶ - ۱۱۰) که ما در اینجا فقط به یک تعریف بسنده می‌کنیم:

چگونگی چینش کلمات و معانی را «قرینه سیاق» گویند و این قرینه نسبت به الفاظ موجود در یک عبارت است (صدر، ۱۴۲۰ق، ص ۳۶۷). این نحوه چینش قرینه‌ای برای فهم معنای کلام گوینده می‌شود.

شیخ انصاری در موارد فراوانی از این قرینه استفاده کرده است؛ از جمله در مسئله ادله حجیت برائت در شبهات حکمیة تحریمیة مستفاد از آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق: ۷). ایشان طبق یک احتمال، مراد از «ما»ی موصوله را نفس

فعل و ترک می‌دانند که در این صورت اعطای فعل کنایه از قدرت بر آن فعل است؛ از این رو آیه مورد نظر بر این دلالت می‌کند که تکلیفی که مقدور مکلف نیست، نفی شده است؛ نه تکلیفی که به آن علم نداریم. بنابراین آیه فوق دلالتی بر برائت ندارد. شیخ این احتمال را اظهر می‌داند. وجه ظهور با قرینه سیاق است؛ بدین بیان که فعل «لا یکلف الله» مطلق است و همه تکالیف را در برمی‌گیرد. همچنین «نفساً» نیز مطلق است و شامل همه مکلفان است. با توجه به این قرینه سیاق که الفاظ آیه بر عمومیت دلالت دارد، لفظ «ما» نیز بر عمومیت دلالت دارد (ر.ک: انصاری، ۱۴۳۴ق، ج ۲، ص ۲۱).

ضوابط استفاده از سیاق در فهم آیات را برخی محققان چنین برشمرده‌اند:

۱. دلالت سیاق از باب التزام عقلی قریب برای لفظ و روشن و شفاف باشد.
۲. در تعارض با ادله دیگر نباشد؛ مثلاً آیه تطهیر در سیاق آیات مربوط به همسران پیامبر ﷺ است؛ ولی روایات فراوان نشان می‌دهد مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام است.
۳. زمان صدور لحاظ شود.
۴. قرینه سیاق نباید مجوزی برای تغییر کلمات قرآن و استفاده از واژگان مترادف آنها شود.

۵. باید بدانیم یا احتمال قوی بدهیم که سیاق مراد متکلم است.

به نظر اولاً قرینه سیاق اگر به سرحد ظهور برسد، حجت است و اگر ضعیف‌تر و محتمل باشد، استفاده از آن بازگشت به قاعده احتمال قرینیت دارد و این احتمال کافی برای ایجاد اجمال است. همچنین قرینه سیاق همواره به معنای لوازم قریب معنا نیست؛ چراکه قرینه سیاق می‌تواند مربوط به حال متکلم و مخاطب یا شرایط خاص صدور کلام یا قرینه عقل باشد. ثانیاً معنای تعارض قراین و ترجیح برخی بر برخی دیگر به معنای ابطال قرینیت سیاق نیست؛ بلکه معنایش فعلیت قرینه است (جایگاه قواعد استظهار در حل مسائل مسحذته، ۱۳۹۸، ص ۳۲۱).

۲-۲. قرینه مقابله

قرینه‌ای است که از تقابل میان دو لفظ از الفاظ موجود در کلام به دست می‌آید.

تأثیرگذاری دلالتی ناشی از برابر هم قرار گرفتن معانی متضاد یا نقیض یکدیگر ۱۷

در کلام بر طرف مقابل خود «قرینهٔ مقابله» نام دارد (خرقانی و هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰). بنابراین ظرف تحقق آن در مواردی است که رابطهٔ میان الفاظ از قبیل نقیضین یا ضدین باشد؛ برای نمونه، واژگان «سیئه» و «سیئات» در قرآن در مطلق گناهان - چه صغیره و چه کبیره - به کار رفته است؛ ولی در آیه «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» (نساء: ۳۱) در برابر «کبائر» قرار گرفته است. این تقابل قرینه می‌شود بر اینکه منظور از سیئات در این آیه، گناهان صغیره است. در روایات نیز این مطلب استظهار شده است (خرقانی و هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸). قرینهٔ مقابله در کلام فقها و اصولیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در موارد فراوان از آن استفاده کرده‌اند و ما را برای رسیدن به دلالت و ظهور کلام رهنمون می‌کند (ر.ک: شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳؛ اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ج ۲، ص ۴۰۱). ابن عاشور در اهمیت قرینهٔ مقابله می‌نویسد: «قرینهٔ مقابله روشی بدیع در ایجاز است؛ ولی دانشمندان علم بلاغت و اصول در مورد آن چیزی نگفتند. این قرینه باید در تفسیر قرآن لحاظ شود و از مسائل بلاغی دانسته شود (ر.ک: ابن عاشور، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۵). فقها و اصولیان نیز فراوان از این قرینه استفاده کرده است (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۳؛ همو، ۱۴۱۳ق «ب»، ص ۱۳؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۷۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۹۸). برای نمونه شیخ انصاری، در بحث وفا به شروط و اینکه شروط نباید مخالف کتاب باشند، روایتی را ذکر می‌کند که این روایت ظهور اولیه در وجوب موافقت شروط با قرآن را دارد؛ یعنی افزون بر اینکه شروط نباید مخالف با کتاب باشند، بلکه باید موافق هم باشند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۹). اما در ادامه بیان می‌دارد که مراد از این روایت آن است که لزوم موافقت شرط با قرآن شرط نیست؛ بلکه مخالفت نکردن نیز مکفی است. وجه ظهور به قرینهٔ مقابله است؛ بدین شکل که ما به تقابل موافقت و مخالفت با کتاب در موافقت تصرف می‌کنیم و مخالفت را قرینهٔ اصیل می‌دانیم؛ زیرا عرفاً در موافقت کتاب تصرف می‌شود؛ بدین بیان که عرف موافقت را هم در موافقت صددرصدی و هم در مخالفت نکردن می‌بیند؛ از این رو به قرینهٔ مخالفت نکردن به این نکته می‌رسیم که موافقت در اینجا لزوماً به معنای موافقت قطعی نیست بلکه مخالفت نکردن را نیز در بر می‌گیرد (ر.ک: انصاری، ۱۴۳۵ق، ج ۵، ص ۱۱۱).

۳-۲. قرینه تناسب حکم و موضوع

قرینه‌ای که از تناسب بین حکم و موضوع واقع در کلام گوینده، ایجاد می‌شود؛ به گونه‌ای که به ذهنیت مخاطب نیز متکی باشد؛ بنابراین، صرف تناسب در اینجا مطرح نیست؛ زیرا در قراین و نسب دیگر نیز باید این تناسب وجود داشته باشد. اتکا به ذهنیت مخاطب نیز در هر یک از ابعاد عقلی، عقلایی و عرفی می‌تواند مطرح شود. به سخن دیگر قرینه تناسب، مناسبت واضح و روشن عرفی یا عقلی‌ای است که بین موضوع و حکم برقرار است و خصوصیت موضوع واقعی یا حکم را بیان می‌کند. بیشترین موارد کاربرد قرینه تناسب حکم و موضوع، تحدید موضوع از حیث توسعه یا تضییق است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ص ۲۲۱).

برای نمونه شیخ انصاری در بحث خیار مجلس، ذیل مسئله‌ای بیان می‌دارد این خیار بی‌گمان برای متبایعین اصیل وجود دارد و نیز برای وکیل نیز فی الجمله این حکم هست. اما اگر یک طرف معامله وکیل در اجرای صیغه بود، اینجا می‌فرمایند ظاهر ادله عدم ثبوت خیار برای این وکیل است. چند دلیل بر این فرمایش خود می‌آورد که یکی از آنها، قرینه تناسب حکم و موضوع است. بدین بیان که مفاد ادله خیار، اثبات حق و سلطنت برای هرکدام از متبایعین است تا بتوانند نقض و ابرام نمایند و عقد را فسخ کنند که این نکته نیز فرع بر این است که شخص عاقد به آنچه به او منتقل می‌شود تسلط داشته باشد. این نکته از قرینه مناسبت حکم و موضوع فهمیده می‌شود که از مناسبت بین لفظ «البیعان» و «بالخیار» در روایت «البیعان بالخیار حتی یفترقا...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۷۰) این نکته به دست می‌آید. لذا توسط ادله خیار این اثبات نمی‌شود؛ بلکه باید از پیش ثابت باشد که در رابطه با وکیل در اجرای صیغه ثابت نیست (انصاری، ۱۴۳۵ق، ج ۵، ص ۲۸؛ نایینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۲-۱۳).

۴-۲. قرینه تعلیل

یکی از قرینه‌های مؤثر در فهم کلام، علت آورده شده از سوی متکلم است؛ علتی که گوینده، حکم خود را به آن مستند کرده است. این علت‌ها در موارد بسیاری مورد استفاده محدثان و فقیهان قرار گرفته و ایشان منظور حقیقی کلام را با توجه به تعلیل

موجود در کلام بیان کرده‌اند. اصولیان و فقیهان قائل‌اند با بیان علت، موضوع حکم از آنچه در ابتدای کار فهمیده می‌شود، به موضوعی عام‌تر از آن یا خاص‌تر تبدیل می‌شود و توسعه یا تضییق می‌یابد.

گفتنی است تعمیم یا تخصیص حکم با استفاده از علت منصوصه، خود تابع قواعد عقلایی ظهور کلام است که محل بحث آن در علم اصول و فقه است (ر.ک: مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۵). برای نمونه شیخ انصاری در مسئله ادله حجیت خبر عادل با توجه به روایت «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثُهَا؛ فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حَجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۱) (در وقایعی که اتفاق می‌افتد، به روایان احادیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجّت من بر شما و من نیز حجّت خدا بر آنان هستم)، بیان می‌دارد تعلیل یادشده در روایت عام است و از این‌رو، افزون بر دلالت بر حجیت فتوای آنها، بر قبول خبر فقها نیز دلالت می‌کند. بنابراین روایت یادشده، بر حجیت خبر واحد دلالت دارد (ر.ک: انصاری، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۳۰۱).

۵-۲. قرینه سؤال

یکی دیگر از قراین موجود در کلام که نقش مهمی در تفسیر و راهیابی به غایت اصلی کلام دارد، «قرینه سؤال» است. در حقیقت یکی از اسباب صدور روایت، صدور آن در فضای پرسشگری راوی است که معصوم علیه السلام در پاسخ به پرسش‌های راویان آشنا به فقه و معارف دینی یا مردم عادی که واجد این‌گونه مسائل بوده‌اند، بیانات خویش را صادر کرده است. فقها در جهت فهم مراد به پرسش راوی، گاهی یکی از چند معنای محتمل حدیث را برگزیده و بقیه را کنار گذاشته‌اند. گاه اطلاق پاسخ را به قرینه سؤال مقید کرده یا عموم آن را تخصیص زده‌اند و گاه اجمال سخن را با پرسش زدوده‌اند و زمانی دیگر نیز معنایی کاملاً متفاوت با ظهور اولیه حدیث به آن نسبت داده‌اند (ر.ک: شریفی و رفعت، ۱۳۹۷، ص ۲-۳)؛ بنابراین توجه به قرینه سؤال امری مهم در فهم کلام قلمداد می‌شود؛ برای نمونه، شیخ انصاری در بحث «انذار» در ورود به روایات، روایت «إِنَّا نَشْتَرِي الزَّيْتَ فِي زَقَاقِهِ، فَيَحْسَبُ لَنَا النِّقْصَانُ لِمَكَانِ الزَّقَاقِ؟ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ كَانَ يَزِيدُ وَيَنْقُصُ فَلَا بَأْسَ، وَإِنْ كَانَ يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ فَلَا تَقْرَبُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ۱۸۳) را مطرح کرده و در مقابل قولی که ظاهر

روایت را عدم تراضی می‌داند، بیان می‌دارد مفروض پرسش یادشده در روایت، در فرض تراضی است؛ چراکه شخص محاسبه‌کننده خود بایع یا وکیل اوست و این کار را با رضایت کامل انجام می‌دهد؛ از این رو با توجه به این قرینه، این روایت با روایاتی که تراضی در آنها به صراحت ذکر شده و به عنوان شرط صحت «اندار» مطرح شده، تعارضی ندارد (انصاری، ۱۴۳۵ق، ج ۴، ص ۳۲۷).

۶- ۲. قرینه غلبه استعمالی

«غلبه استعمالی» به معنای کثرت استعمال لفظ در قسمت معینی از معناست که موجب «انصراف» است و انصراف را شهید صدر این‌گونه معنا می‌کند: انصراف انس ذهن است به بخشی از معنای لفظ که دارای اقسامی است و یکی از اقسام آن ناشی از کثرت استعمال لفظ در آن معنای معین می‌باشد یا به نحو مجاز و یا به نحو تعدد دال و مدلول (ر.ک: صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۳۱). در مقابل به تصریح بسیاری از اصولیان، غلبه وجودی اثری ندارد و مانع تمسک به اطلاق نیست؛ بلکه بدوی است و با اندک تأملی از بین می‌رود (ر.ک: خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۰۳؛ نایینی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۲)؛ برای نمونه شیخ انصاری در باب استنجا با سنگ، نظر فقها در قول به عدم تطهیر به کمتر از سه بار را ذکر می‌کند؛ ولی در پایان، روایتی را ذکر می‌کند که ظاهر آن در تطهیر هرچند کمتر از سه مرتبه است؛ چراکه در آن، سائل حد استنجا را از امام معصوم علیه السلام می‌پرسد که حضرت در پاسخ می‌فرماید هر چقدر می‌تواند و لزومی در سه بار نیست. از این رو این روایت مخالف کلام قدماست؛ ولی شیخ این مخالفت را مخالفت نمی‌داند؛ بلکه آن را از محل بحث خارج می‌داند. چراکه لفظ استنجا را که در این روایت آمده، به غلبه استعمالی ظاهر در استنجا با آب می‌داند. بنابراین این روایت ایرادی به کلام فقها در بحث استنجا با سنگ وارد نمی‌کند و از محل بحث بیرون است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۵۵).

۳. مبانی و دلیل حجیت قراین

از آنجا که اصل اولی در ظنون، عدم حجیت آنهاست، برای اثبات اعتبار آنها باید دلیل قطعی وجود داشته باشد؛ وگرنه معتبر نیستند و نمی‌توان به آنها استناد و

استدلال کرد. ظواهر از آن دسته از ظنونی است که دلیل معتبری بر حجیت آنها وجود دارد. دلیل معتبر برای حجیت ظواهر نزد شیخ انصاری، بنای عقلاست؛ بدین بیان که اهل لسان و عقلا در تفهیم و تفاهمات خود از این اصول استفاده کرده‌اند و شارع نیز راه جدیدی را اختیار و اعلام نکرده است. قراین نیز به دلیل اینکه احراز ظهور می‌کنند و از مصادیق آن هستند، حجیت دارند و در تفاهمات به آنها استدلال و احتجاج می‌شود؛ از این رو قراینی که در اینجا ذکر و تبیین شدند، عرفی‌اند و ظهورساز هستند و دلیل حجیتشان نیز از همین باب است.

نتیجه‌گیری

فهم روشمند قرآن و روایات دغدغه همیشگی فقها بوده است که قراین به دلیل جانشینی از دلالت وضعی الفاظ، نقش مهمی در فهم معنای کلام دارند. از دیگر سو شیخ انصاری در جایگاه یکی از برجسته‌ترین فقها، فراوان به استظهار از آیات و روایات پرداخته است که جای بحث دارد. براین پژوهش حاضر در برخورد با آیات و روایات است. این قراین که برای رسیدن به فهم صحیح کلام اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، از این قرارند: سیاق، وحدت سیاق، مقابله، اصیل، سؤال، تعلیل، تناسب حکم و موضوع و غلبه استعمالی.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۷۸). *النهاية فی غریب الحديث و الأثر*. قم: عرفان.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۳۹۰). *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسة التاریخ.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۹۰). *معجم مقاییس اللغة*. قم: تبیین.
۶. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۷ق). *فوائد الاصول*. تهران: وزارت ارشاد.
۷. _____ (۱۴۳۳ق). *کفایة الاصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۸. اسفندیاری، رضا، (بهار ۱۳۹۶) قرینه مناسبت حکم و موضوع و کارایی آن در استنباط احکام. *فصلنامه علمی - پژوهشی کاوشی نو در فقه*. ۲۴ (۱ پیاپی ۸۹)، ۷ - ۲۶.
۹. اسلامی، رضا (۱۳۹۸). *جایگاه قواعد استظهار در حل مسائل مستحدثه*. قم: بوستان کتاب.
۱۰. اصفهانی، محمدحسین (۱۳۷۴ق). *نهاية الدراية في شرح الكفاية*. قم: بی جا.
۱۱. اصفهانی، محمدتقی (۱۴۲۹ق). *هدایة المسترشدين*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۳ق «الف»). *أحكام الخلل فی الصلاة*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم.
۱۳. _____ (۱۴۱۳ق «ب»). *كتاب الصوم*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۴. _____ (۱۴۱۵ق). *كتاب الطهارة*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۵. _____ (۱۴۳۴ق). *فرائد الاصول*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۶. _____ (۱۴۳۵ق). *كتاب المكاسب*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۷. بابایی، علی اکبر (۱۳۷۹). *روش شناسی تفسیر قرآن*. قم: سمت.
۱۸. جر، خلیل (۱۳۹۳). *فرهنگ لاروس*. تهران: امیرکبیر.
۱۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۸). *الفائق فی الاصول*. قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه.
۲۰. حسن یگی، علی (تابستان ۱۳۹۷). بررسی و تحلیل قرینه سیاق و تأثیر آن بر فهم قرآن با رویکرد آسیب شناختی؛ پژوهش های ادبی - قرآنی. ۶ (۲ پیاپی ۲۲)، ۱۱۱ - ۱۳۶.
۲۱. خرقانی، حسن و سید علی هاشمی (بهار و تابستان ۱۳۹۳). نقش قرینه مقابله در تفسیر قرآن، *آموزه های قرآنی*. (۱۹)، ۱۰۷ - ۱۳۰.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مصباح الاصول*. (واعظ حسینی بهسودی، مقرر). قم: مکتبه الداوری.
۲۳. سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق). *منهاج الصالحین*. قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۲۴. شریفی، وحید و محسن رفعت (۱۳۹۷). کارکردهای قرینه سؤال راوی در فهم احادیث فقهی، *مطالعات علوم حدیث*. ۵ (۱).
۲۵. شیرازی، میرزا محمدحسن (۱۴۰۹ق). *تقریرات آية الله المجدد الشیرازی*. قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.

۲۵. صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الاصول* (سید محمود هاشمی شاهرودی، مقرر)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت علیهم السلام.
۲۶. _____ (۱۴۲۰ق). *قاعدة لا ضرر ولا ضرار*. (سیدکمال حیدری مقرر)، قم: مؤسسه دار الصادقین للطباعة والنشر.
۲۷. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة*. قم: دار المعارف الاسلامیة.
۲۸. عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۷ق). *نهایة الافکار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. غلامعلی تبار، فضل الله و علی راد (۱۳۹۷). *ارزیابی استظهارات شیخ انصاری از مفاهیم و مفردات آیه نبأ؛ فصلنامه فقه و اصول*. ۵۰ (۱).
۳۰. فیومی، احمد بن محمود (بی تا). *المصباح المنیر*. قم: مؤسسه دار الهجرة.
۳۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۲. کنعانی، حسین (تابستان ۱۳۸۹). *سیاق و سیر تحول کاربرد آن در فقه، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن*. ۶ (۲۴)، ۱۳۴ - ۱۵۱.
۳۳. مجتهد شبستری، محمد (بی تا). *فرایند فهم متون، نقد و نظر*. ش ۳ و ۴.
۳۴. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴). *از مفهوم تا مقصود، علوم حدیث* (۳۵ - ۳۶). ص ۲۶ - ۵۲.
۳۵. مصطفوی، حسن (بی تا). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۶. نایینی، محمدحسین (۱۳۷۳). *منیة الطالب فی حاشیة المکاسب*. تهران: المکتبة المحمدیة.
۳۷. _____ (۱۳۷۶). *فوائد الاصول*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. نقی پورفر، ولی الله و رضا حاج خلیلی (تابستان ۱۳۹۰). *گونه شناسی کارکرد سیاق در رفع ابهام از ظاهر آیات، کتاب قیم*. ۱ (۲)، ۹۹ - ۱۲۴.
۴۰. ولایی، عیسی (۱۳۸۷). *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*. تهران: نشر نی.